

اقبال نویسندگان و مترجمان زبردست و توانا در نیم قرن اخیر به ترجمه قرآن مجید و تحقیق و تفحص درباره کلام وحی در ایران چشمگیر و قابل توجه است، به حدی که از نظر کمیت و کیفیت، به جرأت می توان گفت که با تمام هزار و چند صد ساله گذشته برابری می کند. دهها ترجمه موفق با نثر قوام یافته و انشای فصیح، کم کم ما را به نوعی نثر متون مقدس در زبان فارسی راه می نماید که باید در کنار انواع گونه های نثر فارسی در کتاب های سبک شناسی از آن یاد کنیم. تلقی نگارنده بر آن است که ما نیازمند این نوع نثر بودیم، که همپای گونه های نثر علمی، هنری، ادبی، عامیانه و جز آن به خدمت گرفته شود. بنابراین باید در ایجاد و استحکام آن قدم هایی برداریم. در واقع ما در راه ترجمه متون مقدس به پایان خط نرسیده ایم، بلکه هنوز در آغاز راه هستیم. نثر مقدس باید در کنار دیگر گونه های نثر معاصر رشد و تکامل پیدا کند، و این امر میسر نمی شود مگر با ارائه ترجمه های متعدد و گونه گون از قرآن مجید و دیگر متون مذهبی مانند نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه.

باری، در کنار این تلاش مقدس و علمی در حوزه قرآن پژوهی،

لازم است که به احیای ترجمه‌های کهن که در سده‌های پیشین انجام پذیرفته است بپردازیم و آنها را به گونه‌ای تصحیح و تنقیح کنیم و به زیور طبع بیاراییم که باب طبع نسل امروز باشد؛ زیرا این قرآن‌های مترجم کهن از چند نظر قابل تأمل و مطالعه هستند: اول به علت نزدیکی به زمان نزول وحی؛ دوم از باب اشراف بر سیر تطوّر ترجمه قرآن؛ سوم از جهت آگاهی بر گونه‌های ترجمه در گذشته؛ چهارم به جهت آگاهی به تاریخ تطوّر زبان فارسی؛ پنجم به جهت برابر نهادهایی که در مقابل هر یک از واژه‌های قرآنی این ترجمه‌ها وجود دارد.

خوشبختانه در زبان فارسی، که دومین زبان اسلام تلقی می‌شود، تعداد فراوانی از این قرآن‌های مترجم در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور موجود است که بیش از همه در گنجینه کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. از میان این نوع‌وسان معنی، ترجمه و تفسیر ابوالفتوح رازی، فقیه و مفسر نامدار امامی قرن ششم، فریدی است که به سختی می‌توان برای آن همتایی یافت. این ترجمه در ضمن تفسیر کبیر ابوالفتوح، رض الجنان و روح الجنان، آمده است؛ بدین ترتیب که وی ابتدا آیاتی از قرآن مجید را به فارسی درآورده و سپس به تفسیر آنها پرداخته است، و این روشی بوده است که غالب مفسران و مترجمان قرآن در گذشته رعایت می‌کرده‌اند.

این اثر سترگ در واقع اولین ترجمه و تفسیر فارسی موجود به مشرب امامیه است، و به دلیل اهمیت آن، بیش از هر اثر مشابهی مورد توجه بوده است، به گونه‌ای که تا به حال چهار بار به طبع انتقادی رسیده و یک بار هم ترجمه آیات آن جداگانه چاپ شده است. اولین بار در دوره قاجاریه به همت تنی چند از بزرگان اهل فضل، از جمله ملک الشعراء صبوری، طبع انتقادی آن آغاز شد، که تا سال ۱۳۱۵ شمسی به درازا کشید. این چاپ در پنج جلد با قطع رحلی همراه با مؤخره‌ای مبسوط از علامه محمد قزوینی درباره شرح زندگی ابوالفتوح و تفسیر او موجود است. دومین بار در سال ۱۳۲۰ به وسیله آیه الله مهدی الهی قمشه‌ای تصحیح شد و در ده جلد با حواشی مصحح به چاپ رسید. بار سوم در سال ۱۳۴۲ شمسی، در دوازده جلد به تصحیح و توضیح آیه الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی چاپ شد، و چهارمین بار به همت آستان قدس رضوی و تصحیح گروهی از محققان با سرپرستی آقایان دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح در بیست مجلد به طبع انتقادی رسید، که چاپ آن حدود ده سال به طول انجامید، و آخرین مجلدات آن در سال ۱۳۷۵ به دست مشتاقان

رسید. چاپ اخیر از هر جهت نسبت به چاپ‌های پیشین برتری دارد، چه به خواننده و محقق این اطمینان قلبی را می‌دهد که آنچه می‌خواند به قول و نظر ابوالفتح بسیار نزدیک است. به جهت اهمیت ترجمهٔ این تفسیر، نگارنده از سال‌ها پیش - که توفیق آشنایی با این اثر بزرگ را یافت - بر آن شد تا متنی مصحح و منقح از آن آماده کند؛ از این روی اساس کار خود را متن چاپ آستان قدس رضوی قرارداد، اما در ضمن کار متوجه شد که این چاپ اگر چه نسبت به سه چاپ گذشته از جهات فراوان مرجح و نزدیک‌ترین متن به زبان ابوالفتح است، اما به دلایلی که مصححان محترم از آن گزیری نداشته‌اند، دارای نواقصی است که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

نظر به این که تصحیح متن تفسیر و ترجمه در طول حدود ۱۵ سال انجام پذیرفته و در این مدت نسخهٔ اساس مصححان پیوسته تغییر کرده است، متن ترجمه و تفسیر یک‌دست نمی‌نماید. اگر فرض را بر آن بگذاریم که نویسندهٔ متن رضی‌الجنان بیش از یک شخص نبوده است پس نمی‌تواند یک واژه قرآنی در آیات متعدد برابر نهادهای گوناگون داشته باشد. وانگهی حوزهٔ واژگان این ترجمه و تفسیر قاعداً باید یک‌دست باشد و گویای حوزهٔ زبانی منطقهٔ ری در قرن ششم؛ یعنی ویژگی‌های دستوری و آواشناسی و واژگانی ری قرن ششم بر آن حاکم باشد. حال آن که چنین نمی‌نماید، و علت آن است که در آغاز کار، نسخه‌ای کامل از این ترجمه و تفسیر که نزدیک به زمان مؤلف باشد، در اختیار مصححان محترم نبوده و ناچار در هر چند جلد، نسخهٔ اساس آنان تغییر می‌کرده است. مثلاً براساس گزارشی که در مقدمهٔ جلد اول آمده است، نسخهٔ اساس در جلد‌های ۱ و ۲ و ۳ در قرن ششم کتابت شده، جلد‌های ۴ و ۵ و ۶ در قرن یازدهم، جلد‌های ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ در اواخر قرن ششم، ۵۹۵ق، جلد‌های ۱۱ و ۱۲ در سال ۵۷۹ق، جلد‌های ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ در ۵۹۵ق، جلد‌های ۱۶ و ۱۷ در سال ۵۵۶ق، جلد هجدهم در حدود قرن دهم، جلد نوزدهم در سال ۹۴۷ق و جلد بیستم در ۵۵۷ق تحریر شده است. ملاحظه می‌شود که ده بار نسخهٔ اساس در هنگام تصحیح تغییر کرده است. ناگزیر دخل و تصرف ناسخان و کاتبان کم مایه در حوزهٔ واژگان و ساخت دستوری آن فراوان است. نکتهٔ دیگر خطاهای مطبعی است که لاجرم در این کتاب گرانسنگ، همانند دیگر آثار چاپی این سرزمین، راه یافته است که نگارنده بخشی از

آنها را در نقدی که بر آن نوشته آورده است.^۱ بنا بر آنچه گذشت، نگارنده در متن ترجمه‌ای که از تفسیر *روض الجنان* استخراج کرده است علاوه بر خطاهای مطبعی و احياناً غیر مطبعی، و به کارگیری آیین سجاوندی برای تسهیل در درک مطلبِ متن، در یکدست کردن حوزۀ واژگانی، آوایی و دستوری آن هم کوشش فراوان به کار برده است. کمیت تغییراتی که در این ترجمه انجام پذیرفته به حدی است که می‌توان این اثر را تصحیحی مجدد از ترجمۀ ابوالفتوح رازی دانست.



۱. «نگاهی به ترجمۀ ابوالفتوح رازی در تفسیر *روض الجنان*»، نامه پارس، س ۴، ش ۱ (بهار ۱۳۷۸) صفحه ۲۲۴ و بعد.